

علوم و فنون ادبی

دهم انسانی

بوم‌نشاطی

دبیر زبان و ادبیات فارسی گنبد کاووس

درس یکم، مبانی تحلیل متن

تعریف متن: هر چیزی که ذهن ما را به پویایی در آورد متن است

انواع متن

- شنیداری: مثل شنیدن متن یک کتاب یا موسیقی
- دیداری: مثل کتاب یا نقاشی
- چشیدنی: مثل مزه کردن غذا
- بویایی: مثل بوییدن عطر
- لمسی: مثل لمس پارچه ی حریر

نکته: در کتاب درسی مقصود از متن، آثار شعر و نثر فارسی است
انواع متون (آثار مکتوب ادبی) در یک نگاه کلی: الف) شعر ب) نثر

الف) بررسی و تحلیل شعر

نکته ی مهم: پیش از خوانش، نگاه کلی و گذرا به اثر به روش «چشمخوانی» داشته باشیم
چشم خوانی چیست: پیش از اظهار نظر در مورد یک متن، ابتدا باید با آرامش آن را در یک نگاه اجمالی بررسی کنیم این مرحله را «چشمخوانی» می نامند
هدف از چشمخوانی: کشف و شناسایی لحن و آهنگ مناسب با اثر
در بررسی و تحلیل متن (شعر و نثر) نکات زیر را باید توجه داشت

۱- خوانش

۲- شناسایی و استخراج نکات زبانی

۳- شناسایی و استخراج نکات ادبی

۴- شناسایی و استخراج نکات فکری

۵- نتیجه گیری و تعیین نوع

۱) خوانش شعر: یکباره و بی گسست خواندن اثر: (نخستین گام مؤثر در رویارویی با متن)

هدف از این کار: جلوگیری از اختلال در درک ارتباط طولی و فهم محتوایی

۲) شناسایی و استخراج نکات زبانی

- ۱) بررسی واژگان کهن
- ۲) بررسی واژگان فارسی و غیر فارسی
- ۳) بررسی شبکه معنایی واژگان
- ۴) بررسی ترکیب سازی ها
- ۵) بررسی ساختمان واژگان
- ۶) بررسی کاربردهای تاریخی
- ۷) بررسی کوتاهی یا بلندی جمله ها
- ۸) بررسی سادگی یا پیچیدگی زبان اثر

۳) شناسایی و استخراج } (۱) بررسی قالب شعر
 نکات ادبی } (۲) بررسی چگونگی قافیه، ردیف، وزن
 (۳) بررسی آرایه های ادبی

۴) شناسایی و استخراج } (۱) مفهوم بیت به بیت
 نکات فکری } (۲) مفاهیم کلی اثر (شادی گرا، غم گرا، خردگرا، عشق گرا و...)

۵) الف) تعیین نوع ادبی اثر (حماسی، تعلیمی، غنایی و...)
 ب) نتیجه گیری این نکته که از کدام روش، داستان یا تمثیل، طنز و... برای بیان مقصود استفاده شده

بررسی نکات زبانی، ادبی و فکری شعر زیر

| | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| به دام افتاد روباهی سحرگاه | به روبه بازی اندیشید در راه |
| که گر صیاد بیند هم چنینم | دهد حالی به گازر پوستینم |
| پس آنکه مرده کرد او خویشان را | ز بیم جان فرو افکند تن را |
| چو صیاد آمد او را مرده پنداشت | نمی یارست روبه را کم انگاشت |
| ز بُن ببرید حالی گوش او لیک | که گوش او به کار آید مرا نیک |
| به دل روباه گفتا ترکِ غم گیر | چو زنده مانده ای یک گوش کم گیر |
| یکی دیگر بیامد گفت این دم | زبان او به کار آید مرا هم |
| زبانش را برید آن مرد ناگاه | نکرد از بیم جان یک ناله روباه |
| دگر کس گفت ما را از همه چیز | به کار آید همی دندان او نیز |
| نزد دم تا که آهن درفکندند | به سختی چند دندانش بکندند |
| به دل روباه گفتا گر بمانم | نه دندان باش ونه گوش و زبانم |
| دگر کس آمد و گفت اختیارست | دل روبه که رنجی را به کارست |
| چو نام دل شنید از دور روباه | جهان بر چشم او شد تیره آنگاه |
| به دل می گفت با دل نیست بازی | کنون باید به کارم حيله سازی |
| بگفت این و به صد داستان و تزویر | بجست از دام همچون از کمان تیر |
| حدیث دل حدیثی بس شگفت ست | که دو عالم حدیثش در گرفته ست |

قلمرو زبانی:

- ۱) بررسی واژگان کهن: (گازر، نمی یارست)
- ۲) اندک بودن واژگان غیر فارسی: (صیاد، حيله، حدیث، عالم، تزویر)
- ۳) کاربرد شبکه معنایی واژگان: (حيله، داستان، تزویر، دام / دل، زبان، گوش، دندان)
- ۴) ترکیب سازی ها: (روبه باز، حيله سازی)
- ۵) بررسی ساختمان واژگان: (بیشتر واژگان، ساختمان ساده دارند: دام، روباه، گازر، گوش، دل و...)
- ۶) کاربردهای تاریخی دستور: (مرده کرد، نمی یارست... کم انگاشت / به کار آید همی)
- ۷) سادگی زبان و کوتاهی جمله ها: (به دام افتاد روباهی سحرگاه و...)

قلمرو ادبی:

- (۱) **بررسی قالب شعر:** (قالب مثنوی)
- (۲) **بررسی قافیه، ردیف، وزن:** (قافیه: سحرگاه، راه و.. /گیر، است ردیف هستند/وزن شعر: مفاعیلن مفاعیلن فعولن)
- (۳) **بررسی آرایه های ادبی:** (کنایه: ترک غم گرفتن، دم زدن، جهان بر چشم او تیره شد / مراعات نظیر: تیر، کمان / تشبیه: بجست از دام همچون از کمان، تیر)

قلمرو فکری:

- (۱) **مفهوم بیت به بیت و مفاهیم کلی اثر:** برتری دادن دل بر همه ی اجزا/شاعر برای دل جایگاهی بااهمیت قایل است و نتیجه گیری عرفانی در بیت آخر آشکار است
- ### تعیین نوع ادبی و نتیجه گیری اثر:

شعر ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد اما نتیجه گیری پایانی، مفهوم ذهنی و معنوی دارد
شاعر در قالب داستانی ساده، مفهومی مهم را گنجانده است که همه چیز وجود ما، دل است و ارزش آن به خاطر این است که جایگاه خداوند است

نکته ی مهم: پیش از خوانش، نگاه کلی و گذرا به اثر به روش «چشمخوانی» داشته باشیم
چشم خوانی چیست: پیش از اظهار نظر در مورد یک متن، ابتدا باید با آرامش آن را در یک نگاه اجمالی بررسی کنیم این مرحله را «چشمخوانی» می نامند

هدف از چشمخوانی: کشف و شناسایی لحن و آهنگ مناسب با اثر

- (۱) **خوانش شعر:** یکباره و بی گسست خواندن اثر: (نخستین گام مؤثر در رویارویی با متن)

هدف از این کار: جلوگیری از اختلال در درک ارتباط طولی و فهم محتوایی

- | | | |
|---|---|---|
| (۱) بررسی واژگان کهن | } | (۲) شناسایی و استخراج نکات زبانی |
| (۲) بررسی واژگان فارسی و غیر فارسی | | |
| (۳) بررسی شبکه معنایی واژگان | | |
| (۴) بررسی ترکیب سازی ها | | |
| (۵) بررسی ساختمان واژگان | | |
| (۶) بررسی کاربردهای تاریخی | | |
| (۷) بررسی کوتاهی یا بلندی جمله ها | | |
| (۸) بررسی سادگی یا پیچیدگی زبان اثر | | |
| (۱) بررسی قالب شعر | } | (۳) شناسایی و استخراج نکات ادبی |
| (۲) بررسی چگونگی قافیه، ردیف، وزن | | |
| (۳) بررسی آرایه های ادبی | | |
| (۱) مفهوم بیت به بیت | } | (۴) شناسایی و استخراج نکات فکری |
| (۲) مفاهیم کلی اثر (شادی گرا، غم گرا، خردگرا، عشق گرا و...) | | |
| (۱) تعیین نوع ادبی اثر (حماسی، تعلیمی، غنایی و...) | } | (۵) نتیجه گیری این نکته که از کدام روش، داستان یا تمثیل، طنز و.. برای بیان مقصود استفاده شده |

ب) بررسی و تحلیل نثر

پس از چشمخوانی، گام های زیر را در بررسی و تحلیل متن نثر برمی داریم

- | | |
|--|---|
| (۱) خوانش متن (نثر) | } (۱) خوانش متن نثر |
| (۲) نشانه گذاری و یادداشت بعضی از واژه ها یا جمله های ویژه. | |
| ۱- کاربرد واژه های کهن | } (۲) شناسایی واستخراج نکات زبانی |
| ۲- معانی گوناگون واژه ها | |
| ۳- چگونگی جمع بستن کلمات و استفاده از مترادفات به جای یکدیگر | |
| ۴- چگونگی کاربرد «ن» منفی ساز فعل | |
| ۵- استفاده ی نقش نماها و حروف اضافه به جای یکدیگر، مثلاً «را» در معنی «برای» | |
| ۶- ترکیب سازی ها | |
| ۷- کوتاهی یا بلندی جمله ها | |
| ۸- قابل فهم بودن یا دشوار بودن جملات | |
| (۱) نوع قالب (داستان، رمان، حکایت و...) | } (۱) شناسایی و استخراج نکات ادبی |
| (۲) آرایه هایی ادبی | |

۴- شناسایی و استخراج نکات فکری: بررسی مفاهیم کلی و مفاهیم جزئی متن

- ۵- نتیجه گیری و تعیین نوع: (۱) بررسی پیام مفاهیم متن
(۲) بررسی نوع ادبی متن از نظر تعلیمی، نمایشی، داستانی و...

بررسی نکات زبانی، ادبی و فکری نثر زیر

چون بشناختم که آدمی شریف تر خلایق است، و قدر ایام عمر خویش نمی داند در شگفت افتادم و چون بنگریستم دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان مبتلا گشته اند، و هر که به امور دنیایی روی آورد واز سعادت آخرت خود غفلت کند همچو آن مرد است که از پیش اشتر مست بگریخت و بضرورت خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روییده بود و پاهاش بر جایی قرار گرفت. در این میان بهتر بنگریست، هر دو پای بر سر چهار مار بود که از سر سوراخ بیرون گذاشته بودند. نظر به قعر چاه افکند ازدهایی سهمناک دید دهان گشاده و افتادن او را انتظار می کرد. به سر چاه التفات نمود موشان سیاه و سفید بیخ آن شاخ ها دایم می بردند. و او در اثنای این، تدبیری می اندیشید و خلاص خود را طریقی می جست. پیش خویش زنبور خانه ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بردن شاخ ها جد بلیغ می نماید.....چندانکه شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.

پس من دنیا را بدان چاه پر آفت مانند کردم؛ و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ ها بر شب و روز؛ و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید زهر قاتل باشد و چشیدن شهد و شیرینی آن را بمانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن اندک است و رنج آن بسیار است، و راه نجات بر آدمی بسته می‌گرداند؛ و اژدها را مانند کردم به مرجعی که از آن چاره نتواند بود، هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست. (کلیله و دمنه / باب برزویه طیب)

قلمرو زبانی:

- ۱- کاربرد واژه های کهن: اشتر، شاخ، بنگریست، نتوان دانست
- ۲- معانی گوناگون واژه ها: بگسست در معنی بریده شدو شکست
- ۳- چگونگی جمع بستن کلمات: جمع بستن موش با «ان»
- ۴- چگونگی کاربرد «ن» منفی ساز فعل: نه اندیشید به جای نیندیشید
- ۵- استفاده ی نقش نماها و حرف اضافه به جای یکدیگر: «را» در معنی «برای»: خلاص خود را طریقی می جست
- ۶- ترکیب سازی ها: زنبورخانه در معنی لانه ی زنبور
- ۷- کوتاهی یا بلندی جمله ها: بیشتر جملات متن بالا، کوتاه فهم هستند
- ۸- قابل فهم بودن یا دشوار بودن جملات: بیشتر جملات متن بالا، قابل فهم هستند

قلمرو ادبی:

- ۱) نوع قالب: حکایتی از یک داستان
- ۲) آرایه های ادبی: شبکه معنایی: شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور، حلاوت / تضاد: سیاه و سفید، پا و سر، زهر و شیرینی یا شهد / رنج و لذت، اندک و بسیار / استفاده از تمثیل برای بیان مفهوم غفلت انسان

قلمرو فکری:

بررسی مفاهیم کلی و مفاهیم جزئی متن: نویسنده در این حکایت حکمی و تعلیمی، برای بیان این که بگوید از عمر خود برای سعادت آخرت بهره بگیرد چند نکته را یاد آور می شود که: (۱) انسان ها در بین مخلوقات، شریف هستند (۲) لحظات عمر، گرانبها هستند (۳) از خوشی های زودگذر پرهیز کنید و هشیار باشید

تعیین نوع ادبی و نتیجه گیری اثر:

نویسنده این فکر را به خواننده انتقال می دهد که:

- ۱) نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش بینانه و والایی داشته باشد
- ۲) قدر لحظات عمر خود را بداند
- ۳) با هشیاری سرگرم خوشی های دنیا نشود
- ۴) سعادت واقعی در خشنودی خداوند است

۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید

هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، «متن» است. مثلاً شنیدن یک موسیقی یا خواندن یک کتاب، چرا که سبب پویایی ذهن ما می شود

۲- یکی از آسان ترین و کاربردی ترین شیوه هادر بررسی و تحلیل متن چیست ؟

طبقه بندی و تحلیل متن در سه قلمرو : ۱- زبانی ۲- ادبی ۳- فکری

۳- با توجه به قلمرو فکری دیدگاه خود را درباره ی محتوا و موضوع سروده ی زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم،

در فرودست انگار، گفتی می خورد آب

یا که در بیشهٔ دور، سیره ای پر می شوید

یا در آبادی، کوزه ای پر می گردد

آب را گل نکنیم

شاید این آب روان، می رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی

دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب ... (سهراب سپهری)

از دیدگاه قلمرو فکری : یک شعر شادی گرا، فوش بین، فلسفی، ذهنی، افتخارگرا و بهانی است

آب تمثیلی است از زندگی که نباید با گل (نماد ناراستی) آلوده گردد. چرا که آب، زندگی بخش انسان ها و موجودات دیگر است، این شعر ممتوایی

پندآموز دارد و نوع ادبی آن، غنایی و تعلیمی های می گیرد

۴- در خوانش دقیق شعر زیر به چه نکاتی باید توجه کرد ؟

نهنگی بچهٔ خود را چه خوش گفت : به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل پیرهیز همه دریاست ما را آشیانه (اقبال لاهوری)

الف) نگاه کلی به متن برای کشف لحن داستانی آن ب) شعر، به خاطر تعلیمی بودن آهنگی آرام دارد

۵- سرودهٔ زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی، «کنایه، تشبیه، تشخیص، مثل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

هر که زین گلشن، لبی خندان تر از گل بایدهش

خرده ای از مال دنیا در بساط هر که هست

هر که می خواهد که از سنجیده گفتاران شود

صبر بر جور فلک کن تا بر آبی روسفید

قطرهٔ آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدهش (صائب تبریزی)

تشبیه: بیت اول، تشبیه لب به گل / بیت دوم تشبیه انسان فوشرو به گل / بیت سوم، تشبیه تامل به بندگرا

تشخیص: بیت اول، «فندان بودن گل» / بیت چهارم «پور فلک» / بیت پنجم، «قطرهٔ آبی که در نظر دارد گوهر شود»

مثل : بیت چهارم، «دانه چون در آسیا افتد، تامل بایدهش»

مراعات نظیر: بیت پنجم، مراعات نظیر بین واژه های «قطره، آب، ابر، دریا»

کنایه: بیت دوم، «جههٔ واکرده داشتن (پیشانی گشاده) کنایه از فوشروی، اضمو بودن / بیت سوم، بندگرا بر زبان داشتن کنایه از سکوت کردن

بیت چهارم، «روسفید بر آمدن» کنایه از «سر بلندی و پیروزی»

۶- با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید

شنیدم که خلیفه ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که: تعبیر این خواب چیست؟

معبر گفت: زندگانی امیر، دراز باد، همه اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو باز نماند.

خلیفه گفت: این مرد را صد چوب بزیند؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی بمن بگفت؟! چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه، من که باشم؟!

خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خوابگزار گفت: بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی تر از همه اقربای خویش بود.

خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید. (قابوس نامه)

الف) دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

۱- استفارده از «ی» استمراری به پای «هی»؛ «پنداشتی»؛ «افتاری» ۲- استفارده ی حرف اضافه؛ «اندر» به پای «در»

۳- استفارده واژه های عربی؛ «اقربا» به پای «نزدیکان» ۴- استفارده حرف «ب» قبل از فعل؛ بگفت ۵- جمله های کوتاه و قابل فهم است

ب) چه عاملی سبب شد خلیفه، رفتار متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد؟

شیوه بیان و زاویه دید دو خوابگزار برای یک مفهوم.

۷- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری بررسی کنید.

روزی شخصی پیش بهلول، بی ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟

او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند.

گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است! (لطایف الطوایف)

نکات ادبی:

۱- تقاضا: آب و گل ۲- کنایه: لگد خوردن؛ کنایه از تربیت و پرورش یافتن ۳- میاز: آب و گل؛ میاز از وجود انسان

۴- به کارگیری تمثیل برای مفهوم «تربیت نادرست»: آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است

نکات فکری:

۱- سرزنش انسان‌های بی ادب ۲- توبه به نقش تربیت در شکل‌گیری شخصیت انسان ۳- نوع متن: تعلیمی

سوالات تکمیلی

۱) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید

الف) هر چیزی که ذهن ما را به پویایی در آورد است.

ج) بررسی کاربردهای کهن و امروزی از نکات مهم و برجسته قلمرو یک نثر است.

و) نگرش‌های گوناگون نویسنده و خط فکری او جزء قلمرو است.

۲) درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) در تحلیل یک متن، کاربرد واژگان کهن در قلمرو زبانی قرار می‌گیرد.

ب) در یک نگاه کلی متون یا آثار ادبی را به دو بخش شعر و نثر تقسیم می‌کنیم.

ه) بررسی ساختمان واژه جزء نکات ادبی است.

۳) از نکات برجسته قلمرو زبانی در متن نثر سه مورد را نام ببرید.

۴) در شناسایی و استخراج نکات ادبی یک متن نثر چه مواردی را مورد توجه قرار می‌دهیم؟

۵) برای رسیدن به درون مایه و فکر اصلی هر متن باید به کدام یک از موارد کالبدشکافی متن توجه کنیم؟